

با پروژه‌های عکاسی که ایران را معرفی کردند و فوت‌وفن‌های عکاسیِ سفر، آشنا شوید

# ایران از دریچه دوربین عکاسان

**اکرم انتصاری** – عکس، زبانی بین‌المللی است که به سواد و ترجمه نیاز ندارد و ابزار بسیار مناسبی است برای حرف زدن با طیف وسیعی از مخاطبان و انتقال آنچه در ذهن داریم به شکل گسترده و جهانی. فارغ از عکس‌های شخصی که صرفاً خاطره‌انگیز و جذاب اند، عکس و عکاسی می تواند روش و وسیله بسیار مناسبی باشد برای معرفی و شناساندن ویژگی‌های جغرافیایی، اقلیمی و فرهنگی محل زندگی‌مان به دیگران.
دیگرانی که گاهی همشهریان و دنبال کنندگان محدود صفحه شخصی مان در اینستاگرام اند و گاهی آدم‌های یک کشور و قاره دیگر که عکس‌های ما بیانه‌ای می شود برای شناخت عمیق ترشان از سرزمینی به اسم ایران. این روزها که گسترش اینترنت، دنیا را به یک محیط کوچک تبدیل کرده، فرصت مناسبی است تا در هر نقطه از ایران که هستیم با استفاده از مجموعه‌ای از مهارت‌های ساده و یک دوربین عکاسی معمولی یا حتی دوربین تلفن همراه و با انتشار عکس هایی از بناهای تاریخی، پوشش گیاهی و جانوری با آداب و رسوم ویژه منطقه محل زندگی‌مان، گامی در راستای شناساندن ایران غنی و رنگارنگ و جذاب به دنیا برداریم.
پرونده امروز «زندگی سلام» حول محور عکس و عکاسی از ایران می‌چرخد؛ ابتدا با چند پروژه جذاب عکاسی از ایران آشنا می‌شویم، در ادامه پای صحبت یک عکاس خلاق که تجربه عکاسی از ایران را دارد می‌نشینیم و در نهایت، به مرور نکاتی برای عکاسی از ایران و ایرانی و انتشار عکس ها در فضای مجازی می پردازیم. با ما همراه باشید.



عکس: جلال سپهر - از مجموعه عکس «محدوده قرمز»

گفت‌وگوی زندگی‌سلام با «جلال سپهر» عکاس ایرانی و صاحب مجموعه عکس «آب و فرش ایرانی»

## از مکان‌های کمتر دیده شده محل زندگی‌تان، عکس بگیرید



«جلال سپهر» عکاس خودآموخته ایرانی، متولد سال ۱۳۴۷ در تهران است که بیشتر ما این روزها او را با پروژه عکاسی «محدوده قرمز» (مجموعه عکسی که یک فرش ایرانی با زمینه قرمز، یکی از عناصر اصلی تصویر است) می‌شناسیم. سپهر عکاسی حرفه‌ای را از سال ۱۳۷۳ با سه رویکرد مستند، تبلیغاتی و مفهومی شروع و دنبال کرد. او ضمن همکاری با نشر به‌های تخصصی عکاسی بین‌المللی، در جشنواره‌های بسیاری شرکت کرده و موفق به کسب چندین جایزه داخلی و بین‌المللی مثل مقام اول جشنواره عکس کارت پستال کانادا۲۰۰۷ و مقام اول و دوم مسابقه عکس دریا در ایران، در سال‌های۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ شده. از پروژه های عکاسی او می‌توان به «گره»، «آب و فرش ایرانی» و «تا آن جا که چشم‌ها می‌توانند ببینند» اشاره کرد. با او درباره عکاسی، به‌خصوص عکاسی در سفر و از ایران، گفت‌وگوی کوتاهی داشتیم که جذاب و خواندنی است.

#### ■ عکاس خود آموخته! یعنی تحصیلاتی در زمینه عکاسی ندارید. چطور شد که به سمت عکاسی رفتید؟

از کودکی به کارهای هنری گرایش داشتم اما به طور حرفه‌ای وارد این فضا نشده بودم. حدود ۲۰ سال قبل سفری به ژاپن داشتم و بعد از این که برگشتم، در فضای عکاسی و در میان دوستان عکاس قرار گرفتم و احساس کردم علاقه‌ام به این سمت‌وسو است و این شد که به شکل جدی و حرفه ای، به عکاسی رو آوردم و البته بعدها و در ادامه، در رشته عکاسی دیجیتال ادامه تحصیل دادم.

#### ■ چقدر طول کشید و زمان برد تا بتوانید به شکل حرفه ای، سوژه، قاب و رنگ مناسب انتخاب کنید و عکس بگیرید؟

حدود سه یا چهار سال. در سال‌های اول سعی کردم علاوه بر یادگرفتن، از این راه درآمدی داشته باشم و به‌طور معمول کسی که از این راه درآمد دارد، به عنوان عکاس حرفه‌ای شناخته می‌شود با این تفاوت که سطح و کیفیت کارش متفاوت است. منتها بعدتر، به پروژه‌های خاصی و خاص‌تر رو آوردم.

#### ■ ما نمونه عکس‌های شما را دیده‌ایم. اما دوست داریم از زبان خودتان بشنویم که معمولاً در پروژه‌های عکاسی، چه حال و هوایی را دنبال می‌کنید؟

درون مایه اصلی پروژه‌های من بیشتر تقابل سنت و مدرنیته از زاویه‌های متفاوت است. چیزی که در پروژه «محدوده قرمز» یا «آب و فرش ایرانی»



##### ■ آب و فرش ایرانی؛ تاروپود ایرانی، قاب‌های جهانی

مجموعه عکس «آب و فرش ایرانی» به همت عکاس خلاق هم‌وطنمان «جلال سپهر» هم یکی دیگر از پروژه‌های خلاقانه عکاسی از ایران، به منظور به تصویر کشیدن جغرافیای متنوع و فرهنگ غنی ایرانی است. این پروژه که شامل ۱۲ قطعه عکس است و در سال ۱۳۸۷ به نمایش گذاشته شده، تلفیقی از حال و هوای سنت و مدرنیته است و عکاس سعی کرده با در کنار هم گذاشتن فرش ایرانی و آب در نقاط مختلف کشورمان و همجواری این دو عنصر که اصالت یکی و حیات‌بخشی دیگری، می‌تواند الهام بخش و امیدوار کننده باشد، موقعیت‌های کم نظیر و چشم‌نوازی ایجاد کند. در این پروژه فرش و آب نماد سنت است و موقعیت‌های جدید این دو، نماد مدرنیته؛ و تقابل از همین‌جا در عکس‌ها شروع می‌شود و ذهن مخاطب را به چالش می‌کشد. «هومی بابا» مدیر مرکز علوم انسانی دانشگاه هاروارد در مقدمه کتاب «Iranian Photography Now» (عکاسی این روزهای ایران) درباره این پروژه می‌نویسد: «او فرش‌های ایرانی را بر سطح دریا شناور می‌سازد، همچون قالیچه پرنده‌ای که ناگهان بر امواج فرود آمده باشد. رابطه فرش سنتی، آب و قایق تفریحی مدرن، کنایه‌ای است از دوگانگی فرهنگی زندگی مدرن که به گونه‌ای سوررئالیستی به تصویر کشیده شده. عکاس، لحظات تازه و تضاد رنگ و کیفیت متنوعی خلق می‌کند و موجب می‌شود فرش‌ها روی آب برقصند». شک نکنید که با دیدن این پروژه عکاسی، دلتان برای آبی نیلگون خلیج فارس و نقش و نگار فرش‌های ایرانی که مهم‌ترین صنایع دستی کشورمان هستند، حسایی تنگ می‌شود.



##### ■ بهشت روی زمین؛ بازی با آینه و نور و انعکاس

آینه و آینه‌کاری بخش مهمی از هنر ایرانی است و بازی با شکل‌های گوناگون آینه در معماری ایرانی اسلامی، قدمتی طولانی دارد؛ مثل «تالار آینه کاخ نیاوران» یا در و دیوارهای آینه‌کاری شده بیشتر امامزاده‌ها و اماکن مذهبی. حتی در بناهایی مثل «کاخ تچرا» و «کاخ زمستانی داریوش» پادشاه هخامنشیان هم اگر چه از آینه استفاده نشده، سنگ‌ها آن قدر صیقلی شده اند که مثل آینه عمل می‌کنند. آینه‌ها بازتاب دهنده نور و وسیله ای برای چند برابر کردن زیبایی اند. «بهشت روی زمین» یک پروژه عکاسی از نقاط مختلف ایران است که شبیه شعر مجسم بلندی، سعی کرده گاهی با آینه آسمان را به زمین بیاورد، گاه سراب بسازد و گاهی زیبایی را دو چندان کند. این پروژه عکاسی را «شیرین عابدینی راد»، عکاس ایرانی انجام داده و با استفاده از آینه‌هایی در شکل و هندسه متفاوت، قاب‌های کم نظیری خلق کرده است. او گاهی پلکانی از آینه را در بناهای تاریخی ایران قرار داده و انعکاس ابرها در آینه‌های روی زمین، فضایی رویایی خلق کرده و گاهی در دل صحرا با آینه‌های دایره‌ای شکل، از آبی آسمان، چشمه آب ساخته و فضایی انتزاعی و فانتزی به وجود آورده است تا مخاطب، مشتاق دیدن لوکیشن عکاسی شود، حتی اگر این مکان، یکی از کویرهای ساده ایران باشد. البته پروژه «آینه بازی» خانم عابدینی‌راد، محدود به ایران نیست و او در کشورهای دیگر دنیا هم این سبک عکاسی را دنبال کرده است.



##### ■ ایران؛ بهشت گمشده از زاویه بالا

«جورج گستر» عکاس و جهانگرد سوئیسی که علاقه مندان به دنیای عکاسی، او را با عکس‌های هوایی فوق‌العاده‌اش می‌شناسند، حدود ۴۰ سال پیش به ایران می‌آید تا با استفاده از توانایی و امکاناتش از نقاط مختلف ایران، عکس‌های هوایی بگیرد و به چاپ برساند. او بعد از این که توانست مجوز ۳۰۰ ساعت عکس‌برداری در ۱۰۰ پرواز را بگیرد، سفرهای هوایی‌اش را آغاز کرد و نتیجه این پروژه عکاسی، کتاب «Paradise Lost: Persia from Above» (بهشت گمشده: ایران از بالا) شد که در آن ۱۵۰ قطعه عکس هوایی از ایران، از سوی انتشارات فیدون به چاپ رسید. کافی است چند عکس از عکس‌های هوایی او از دریاچه مهارلو، رشته کوه های زاگرس، معدن انگوران سیستان و بلوچستان و یا میدان مرکزی مشهد در آن سال‌ها ببینید تا متوجه شوید جورج با دوربین عکاسی‌اش چه شاهکاری کرده. با توجه به این که این عکس‌های هوایی در دهه ۷۰ میلادی ثبت شده، بیشتر حرفه‌ای‌ها آن را یک آرشئو حیرت‌انگیز از ایران آن زمان و از زاویه بالا می‌دانند. جورج بارها این عکس‌ها را در نمایشگاه‌های مختلف خارج از ایران به نمایش گذاشته و برای اولین بار، شهرپور سال گذشته با دستیارانش به ایران آمد و ۱۳۰ قطعه عکس از کل عکس‌های هوایی‌اش از فراز آسمان ایران را در نگارخانه مرکزی فرهنگسرای نیاوران به نمایش گذاشت تا به قول خودش این آثار ۴۰ ساله را که شبیه بوم‌های نقاشی خوش آب و رنگی هستند به چشم‌های مردم ایران هدیه کند.



##### ■ آدم‌های ایران، شاد و جذاب و رنگارنگ

«براندون استنتون» عکاس آمریکایی، ساکن نیویورک و نویسنده وبلاگ Humans of New York (آدم‌های نیویورک) است. او در این صفحه با عکس‌هایش، سعی می‌کند تحلیل جامعه شناسانه و مردم شناسانه ای از جغرافیا، فرهنگ و مردم محل زندگی‌اش ارائه دهد. اما حالا مدتی است که دامنه عکس‌هایش از نیویورک به کشورهای دیگر دنیا هم گسترش یافته. پروژه عکاسی براندون از ایران، از زمانی شروع شد که او تصمیم گرفت ایران را با نگاهی متفاوت از تصویرهایی که رسانه‌های خارجی ارائه می‌دهند، ببیند. این شد که در سال ۱۳۹۱ با دوربینش به ایران سفر کرد و مردم عادی را در مکان‌های معمول روزانه مثل مراکز خرید، کوچه، خیابان، کافه و رستوران، سوژه دوربین عکاسی خود قرار داد. براندون عکس‌های خود را از ایران در صفحه فیسبوکش که آن زمان نیم میلیون دنبال کننده داشت به اشتراک می‌گذاشت و نظرات و بازخوردهای جالب و شگفت‌انگیزی که در هر پست درباره ایران می‌گرفت، او را به ادامه کار تشویق می‌کرد. مثلاً وقتی براندون عکسی از یک مادر و دختر ایرانی در یک مرکز خرید منتشر کرد، یک آمریکایی با تعجب کامنت گذاشت: «رانه‌ها! ما باید درباره چیزهایی که شما تا به حال درباره ایران به خوردمون دادید به طور جدی صحبت و تجدیدنظر کنیم» یا یک آمریکایی دیگر، زیر عکس یکی از بازارهای ایران نوشت: «چیزی که برام جالبه اینه که همه این عکس‌هایی که از ایران برامون آپلود کردی، به نظر میاد توی همین نیویورک خودمون ثبت شدنن پس که جالب و زیبا هستند».

یک راهنمای جمع و جور برای شروع عکاسی از کشور و فرهنگمان

## از چه چیزهایی، چه‌جوری عکس بگیرم و منتشر کنم؟

**\* مردم محلی** – عکس‌های شما کامل نخواهد بود، اگر از مردم عکاسی نکنید. برای این که مردم در عکس‌هایتان طبیعی ببینند، بهتر است با فاصله از آن‌ها عکاسی کنید. البته می‌توانید به سوژه نزدیک شوید و وانمود کنید که در حال عکاسی از چیز دیگری هستید.

**\* غذاهای محلی** – تمرین عکاسی از غذاها، بسیار ساده‌تر از آن چیزی است که اغلب درباره آن صحبت می‌کنند. آشپزخانه و رستوران را فراموش کنید و به‌دنبال جایی باشید که نور طبیعی روز در آنجا وجود دارد. به‌یاد داشته‌باشید که غذاها تنها در نور طبیعی، درست ثبت می‌شوند و نورهای مصنوعی و فلاش، غذا را مصنوعی جلوه می‌دهد.

**\* عکس‌هایتان را به اشتراک بگذارید** – اینستاگرام فضای بسیار خوبی برای اشتراک عکس است. همیشه که نباید یکپویی‌ها و عاشقانه‌های «مرسی که هستی» طور را به اشتراک گذاشت و لایک کرد. صفحه‌تان را هدفمند بار بیاورید و سعی کنید مناطق بکر و جذاب اطراف‌تان را همراه با فرهنگ، آداب و رسوم آنجا معرفی کنید. آثار چند عکاس خوب را دنبال کنید تا مهارت عکس گرفتن‌تان از بناها و مکان‌های دیدنی بالا برود. از هشتگ و کیشن مناسب و زبان توضیح غافل نشوید؛ سعی کنید هشتگ‌های روز را که هدف‌شان شناخت ایران است، بشناسید و یا هشتگی ثابت برای این موضوع بسازید که علاقه‌مندان به ایران بتوانند با یک جست‌وجوی ساده آن را پیدا کنند و در ذهن‌شان باقی بماند. کیشن عکس‌ها هم بسیار مهم است. اگر می‌خواهید بازدید کننده خارجی هم از صفحه‌تان سر در بیاورد، توضیح عکس را به چند زبان، کوتاه اما جذاب بنویسید.

۸۱۰